

الزامات راهبرد ملی هوا فضا

حسین نواده توپچی *

چکیده

استراتژیست‌های بزرگ گذشته بعضی ملت‌ها را بری و برخی از آنها را بحری می‌دانند که در نتیجه این ویژگی‌ها قدرت ملی توانسته است تا بر قلمروهای خشکی تسلط یابد و یا بر دریاها سیادت پیدا کند. از اواخر قرن بیستم سخن از ملت هوافضایی^(۱) به میان آمد. دسترسی مطمئن به هوا و فضا برای اقتصاد، رفاه و امنیت ملی همان قدر حائز اهمیت است که دستیابی و بهره‌مندی از دریاها تاکنون داشته است. با کسب قابلیت در این عرصه، لوازم تأمین اهداف امنیت ملی فراهم خواهد شد. صنایع هوافضا، حمل و نقل هوایی، بهره‌برداری از فضا به همراه نیروهای مسلح، قابلیت ملی در این حوزه را تشکیل می‌دهند. امروزه قدرت‌ها در سطح راهبردی برای خود فرصتی می‌دانند تا با ارتقای قابلیت‌های هوا فضایی خود به اهداف امنیت ملی خود دست یابند. هر راهبردی دارای سه رکن منافع، قابلیت‌ها، و تعهدات است که پرداختن به این ارکان از الزامات مهم در تدوین راهبرد ملی هوافضا به شمار می‌آید. قابلیت ملی هوا فضا در چهارچوب یک راهبرد با لحاظ کردن منافع ملی و تعهدات، امکان بهره‌مندی از توان ملی برای تأمین اقتصادی، رفاه و امنیت ملی در آینده را فراهم خواهد ساخت. راهبرد ملی هوا فضا نیازمند ترسیم چشم‌انداز و تعریف اهداف ملی خواهد بود.

کلید واژه‌ها

راهبرد ملی، هوا فضا، منافع ملی، قابلیت و تعهدات بین‌المللی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

Email: afp@ari.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۲۷

تاریخ ارسال: ۸۷/۷/۱۲

فصلنامه راهبرد / سال هفدهم / شماره ۴۹ / زمستان ۱۳۸۷، صص ۱۰۷-۱۲۸

درآمد

هوا فضا به مجموعه اتمسفر و فضای محیط بر آن اطلاق می شود و آن را می توان با سه منظر عمده قلمرو، فناوری - صنعت و امنیت ملی مورد مطالعه قرار داد. از نظر قلمرو، هوای واقع بر فراز خشکی و آب هایی که کشورها در آن اعمال حاکمیت می کنند نیز جزو سرزمین کشورها محسوب می شود، اما ارتفاع معینی که مورد اجماع جامعه بین المللی باشد در مورد قلمرو هوایی قابل استناد نیست. یک طرز فکر، قلمرو هوایی را برحسب صعود آیرودینامیکی تفسیر می کند و معتقد است که هر کشوری تنها می تواند تا ارتفاعی مدعی حاکمیت خود باشد که هوایما بتواند تا آنجا صعود کند، چنین ارتفاعی بیش از ۲۰ مایل نخواهد بود. برخی از صاحب نظران معتقدند که قلمرو هوایی مترادف با اتمسفر است و هر جا که هوا یافت شود آن را شامل است. نظریه دیگر بر آن است که حاکمیت کشور تا بی نهایت ادامه می یابد که بسیار مبالغه آمیز است - چشم انداز ایالات متحده و بیانیه دولت جورج بوش از این نظریه تبعیت کرده و به دنبال قلمرو ملی در فضای ماورای جو است - برخی هم به تاسی از حقوق دریاها گفته اند، تا ارتفاعی که هوایما صعود می کند، کشور حاکمیت کامل اعمال کند و تا ارتفاع ۳۰۰ مایلی همانند منطقه نظارت باشد که حق ترانزیت برای سفینه های غیر نظامی در آن به رسمیت شناخته شود و پس از آن فضای بیرونی خواهد بود. به هر صورت تعیین مرز میان قلمرو

هوایی و فضا در جامعه ناهمگون جهانی و با تحولات سریع فناوری بسیار دشوار می نماید.^(۲) معاهده ۱۹۶۷ فضا که یک موافقتنامه چند جانبه بین المللی است، فضا (شامل ماه و دیگر اجرام آسمانی) را برای اکتشاف و استفاده کلیه کشورها آزاد اعلام کرده است و تصریح دارد که فضا نمی تواند به ملت خاصی اختصاص یابد. هرگونه اکتشاف و استفاده از فضا باید به نفع کلیه کشورها اصل تساوی، حقوق بین الملل و با رعایت احترام به دیگر کشورها و بدون رساندن آلودگی مضر به محیط زیست اجرام آسمانی و خود زمین، انجام یابد. و بالاخره اذعان دارد که فضای ماورای جو موضوع ادعای حاکمیت، تصرف و اختصاص هیچ ملتی قرار نمی گیرد...^(۳) در حوزه صنعت این واژه به صنعتی گفته می شود که تحقیقات، طراحی، ساخت، کاربری و نگهداری وسایل پرنده در هوافضا را به عهده دارد. هوافضا در حوزه های تجاری، علمی و نظامی نیز قابل تعریف است. می توان گفت هوافضای پیشرفته با اولین پرواز برادران رایت در ۱۶ دسامبر ۱۹۰۳ در کیتی هاوک آغاز شد و به عنوان یکی از قلمروهای علمی - فنی اعجاب برانگیز، با شتاب شروع به رشد کرد. از بالون های حرارتی قرن ۱۸ تا اولین هواپیماهای ساخته شده از چوب و پارچه ویلبر و اورویل رایت و از اولین مأموریت آپولو ۱۱ به ماه تا هواپیماهای شگفت انگیز جدیدی که شرکت های بوئینگ، ایرباس و... ساختند، هوافضا راه طولانی را در یک قرن پیمود. صنعت هوافضا، صنعتی با

هوایماسازی متحد (شامل میکویان، سوخو، ایلوشین، توپولوف، یاکولوف، ایرکوت و بریف) در زمره بازیگران بزرگ جهانی در این صنعت به شمار می آید. در ایالات متحده، وزارت دفاع و ناسا بزرگ ترین کاربران فناوری و محصولات هوافضا هستند. ۴۴۴۰۰۰ شغل در سال ۲۰۰۴ در صنایع هوافضا وجود داشته است.^۱ صنایع هوافضای عمده شامل بوئینگ، شرکت فناوری متحد و لاکهید مارتین می شود. صنایع غیرنظامی هوافضای دنیا عمدتاً در شیکاگو (بوئینگ)، مونترال (بومباردیر، پرات و ویتینی)، تولوز فرانسه و هامبورگ آلمان (ایرباس/EADS) و در برزیل (Sao Jos é dos campus) قرار دارند. در ژاپن آژانس اکتشافات هوافضا از مراکز مهم تحقیقاتی در این حوزه به شمار می آید. پاکستان نیز در سال های اخیر در حوزه مهندسی هوافضا به پیشرفت هایی نائل شده است و نیازهایش در زمینه فناوری موشک های هدایت شونده را برآورده می سازد. پس از تأسیس مؤسسه فناوری فضایی، پاکستان به دنبال پیشرفت در فناوری فضایی و همین طور طراحی و ساخت هوایماهاست.

از منظر امنیت ملی، به دلیل قابلیت تحرک بسیار زیاد وسایل هوافضایی و تفوق و اشراف بر خشکی و دریا این قلمرو از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است، از این روی کشورها کنترل دقیقی را بر قلمرو هوایی خود اعمال می کنند اما فضا به دلیل قابلیت دسترسی معدودی از

فناوری بسیار بالاست که هوایماها، موشک های هدایت شونده، سفینه های فضایی، موتورهای هوایما، قطعات پیشرانه و بخش های مربوط را تولید می کند. بعضی از کشورهای سازنده کدهایی را بر روی تولیدات خود تعبیه می کنند تا سازنده واحدهای تعمیراتی و فروشندگان این فرآورده ها مورد شناسایی قرار گیرند. در اتحادیه اروپا شرکت هایی مثل EADS، BAE، طالس، داسو، ساب و فین مکانیکا سهم بزرگی از فعالیت های تحقیقاتی و صنعتی هوافضا در جهان را به خود اختصاص داده اند. آژانس فضایی اروپا یکی از بزرگ ترین مصرف کنندگان تولیدات و فناوری هوافضا است. در جمهوری خلق چین مراکز تحقیق و صنعت هوافضا در پکن، زیان، چنگدو، شانگ های، شین یانگ و نان چانگ قرار دارد. چین قابلیت خود را در طراحی، آزمایش و تولید هوایمای نظامی موشک و سفینه های فضایی، توسعه بخشیده است، در حال حاضر چین در صدتوسعه صنعت هوافضای غیرنظامی است. در هند، شهر بنگلور یکی از مراکز اصلی صنعت هوافضا است جایی که صنایع هوایی هندوستان، آزمایشگاه های ملی هوافضا و سازمان تحقیقات فضایی هندوستان در آن قرار دارد.

سازمان تحقیقات فضایی هندوستان پروژه ارسال سفینه ای به مدار ماه را تا اواسط ۲۰۰۸، در دست اقدام دارد. این پروژه موسوم به چاندراپان (ماه پیما) است روسیه با داشتن شرکت های بزرگ هوافضا مانند ابرون پروم و شرکت

کشورهای صاحب فناوری و داشتن آزادی عمل

برای استفاده از سفاین، ماهواره‌ها و ایستگاه‌های

فضایی با انجام اقداماتی از قبیل سنجش از دور،

مکان یابی جهانی، ارتباطات، شناسایی و پخش

ماهواره‌ای عملاً بر ابعاد مختلف حاکمیت دیگر

کشورها بسیار اثر گذار است. در اروپا به اهمیت

هوافضا در سال ۱۹۲۰ پی بردند، به گونه‌ای که

جولیو دووه رساله معروف خود «فرمانده بر

آسمان» را در سال ۱۹۲۱ مطرح ساخت.^(۴) هرچند

این نظریه دلالت بر کاربرد نظامی هوا دارد ولی

بعدها جنبه‌های تجاری و اقتصادی تسلط بر هوا

نیز اهمیت خود را آشکار ساخت. راهبرد نظامی

ایالات متحده امریکا هنوز نیز به شدت از این

نظریه متأثر است.

هدف تحقیق

دستیابی به الزامات راهبرد ملی هوافضا، از طریق

شناخت منافع ملی، تعهدات و قابلیت‌ها هدف

این تحقیق است.

سوالات تحقیق

الف- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در

حوزه هوافضا چیست؟

ب- چه قابلیت‌هایی زمینه‌ساز دستیابی به

قدرت در حوزه هوافضا است؟

ج- تعهدات بین‌المللی در حوزه هوافضا چیست؟

نوع و روش تحقیق

نوع تحقیق بنیادی و روش آن توصیفی و بر

مبنای تحلیل محتوا است. اطلاعات به روش

کتابخانه‌ای و بررسی اسنادی به دست آمده است.

منافع ملی

۱. مفهوم منافع ملی

منافع ملی را که برخی از آن به علایق ملی تعبیر

می‌کنند، در مسائل راهبردی کلان با عنوان منافع

امنیت ملی به کار برده می‌شود. منافع ملی یکی از

ارکان و پایه‌های یک راهبرد کامل را تشکیل

می‌دهد. «منافع ملی^۲ معمولاً به این اصطلاح

فرانسوی (Raison d'Etat) به معنی علت وجودی

دولت اطلاق می‌شود که ناظر بر اهداف و علایق

بیان مسئله

شناخت هوا به عنوان یکی از سه قلمروی که

موضوع حاکمیت ملی است و فضا به عنوان بعد

چهارم و بسیار اثر گذار بر حاکمیت ملی از

دغدغه‌های مهم راهبردی است که بررسی آن از

ابعاد منافع، قابلیت‌ها و تعهدات برای دستیابی به

الزامات راهبرد ملی هوا فضا به عنوان مقدمه‌ای

برای تدوین راهبرد این حوزه، مسئله این تحقیق

را تشکیل می‌دهد.

اهمیت موضوع

شناخت الزامات راهبرد ملی هوافضا در راستای

تولید قدرت ملی و نیل به اهداف سند چشم‌انداز

جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ حائز کمال

2. National Interests

کشور از نظر اقتصادی، نظامی یا فرهنگی است. تعقیب منافع ملی در روابط بین‌الملل، بنیاد مکتب واقع‌گرایی را تشکیل می‌دهد^۳. منافع، «ذهنیت‌های شدیداً تعمیم یافته‌ای هستند که خواسته‌ها و نیازهای بنیانی کشورها را منعکس می‌کنند»^(۵) به جز استراتژیست‌ها این واژه برای دیگران معمولاً دارای مفهوم آشکاری نیست، به ویژه منافعی که در امور دفاعی مطرح است و مشخصاً به امنیت ملی مربوط می‌شوند. با غلبه ادبیات راهبردی ناظر بر بخش بازرگانی و بنگاه مفاهیم مربوط به راهبرد کلان و ملی با آب‌هم زیادی روبه‌رو شده و ای بسا متروک شده است. حیاتی‌ترین علاقه و منفعت ملی، میل به بقا و امنیت کشور است که استقلال و تمامیت ارضی از آثار آن به شمار می‌آید. فرهنگ ملی، نظام ارزشی، نهادهای بنیادی و افتخارات ملی، ثروت، توسعه اقتصادی نیز در حوزه شمول منافع ملی است. عناصر قدرت ملی (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، علمی فناوری و نظامی) به صورت هم افزا امکان بقا و توسعه نفوذ و دوام آن را فراهم می‌آورند. نه تنها نیاز است که مفهوم منافع ملی در میان تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان از وحدت ادراک برخوردار باشد بلکه در آموزش‌های سطوح مختلف کشور نیز باید بر آن تأکید شود. اصولاً هیچ برنامه‌ای و تصمیمی بدون در نظر گرفتن منافع ملی و عوامل نگهدارنده و توسعه بخش آن نمی‌تواند برای کشور توفیقی را به همراه داشته باشد. از تاریخ اینگونه برمی‌آید که قبل از تشکیل دولت - کشورها، منافع ملی در

مرحله دوم و بعد از مذهب و اخلاق قرار می‌گرفت. نیکو ماکیاولی اولین کسی است که قایل به تقدم منافع ملی است. در قرون اخیر و در اثر رقابت کشورهای اروپایی موضوع منافع ملی مطرح شد و وجه ظهور آن در مرکانتلیسم (سوداگری) و تعقیب منافع ملی تجاوزه‌گرانه با توجیه اقتصادی بود. با پیدایش مکتب واقع‌گرایی روابط بین‌الملل، سیاست خارجی کشورها به سمت تعقیب منافع ملی میل کرد و در کنگره وین به صورت رویکرد موازنه قوا به اوج خود رسید که در اصل موازنه منافع قدرت‌های بزرگ و کوچک بود. این دیدگاه بعد از جنگ جهانی اول مورد انتقاد قرار گرفت و امنیت دسته جمعی جایگزین موازنه قوا شد که به موجب آن تمام اعضای میثاق ملل تصمیم گرفتند «حمله به یکی را حمله به همه» تلقی و از به کارگیری تجاوز جلوگیری کنند. در عمل میثاق ملل دوام نیاورد زیرا ایالات متحده از الحاق به آن خودداری کرد و ملت‌ها بازداشتن یکدیگر از کاربرد زور را در زمره منافع ملی خود ارزیابی نکردند.

وقایع جنگ جهانی دوم به تولد مجدد واقع‌گرایی منجر شد و تفکر واقع‌گرایی نو بر نقش قدرت در حکومت جهانی مجدداً تأکید کرد. بسیاری از نظریه پردازان روابط بین‌الملل، ضعف میثاق ملل را به دلیل ایده آلیستی بودن و ناتوانی در جلوگیری از بروز جنگ مورد انتقاد قرار دادند و سوداگری را به دلیل سیاست‌های

فقیر کردن همسایگان که موجب بروز فاشیسم در آلمان و ایتالیا شد، مورد ملامت قرار دادند. با نظریه هژمونیک، مفهوم منافع ملی امریکا گسترش یافت که نتیجه آن بازنگه داشتن مسیرهای جهانی کشتیرانی و گسترش تجارت آزاد بود.

امروزه مفهوم منافع ملی با واقع گرایی سیاسی مرتبط است. واقع گرایی در صدد تمیز دادن سیاست‌ها از روش‌های ایده‌آلیستی است که به موجب آن اخلاق وارد سیاست خارجی می‌شود و راه‌حل‌هایی را ترویج می‌کند که حل و فصل اختلافات از طریق نهادهای بین‌المللی انجام پذیرد که این امر ممکن است استقلال کشور را تضعیف کند. عدم توافق قابل ملاحظه‌ای در هر کشوری بر سر مصادیق منافع ملی وجود دارد که در نتیجه آن با توسل به منافع ملی همان‌گونه که سیاست‌های انزواطلبی و صلح‌جویی را توجیه می‌کنند همان‌طور هم سیاست‌های مداخله‌جویانه و جنگ‌طلبانه را توجیه می‌کنند. در روابط بین‌المللی تأکید کشورها بر منافع مشترک امکان همکاری را فراهم می‌آورد و مجموعه کشورها را به سوی جامعه سوق می‌دهد اما تأکید بر منافع خاص، همکاری‌ها را متوقف و جامعه بین‌المللی به سمت تضاد، درگیری و هرج و مرج پیش می‌برد. اصرار امریکا در راستای منافع ملی خود بر تغییر در وضع موجود (تغییر رژیم، دولت‌سازی، ملت‌سازی...) به خصوص در منطقه خاورمیانه بسیار تشنج‌زا است و جامعه جهانی را از همکاری و شکل‌گیری منطقی براساس منشور ملل متحد و

معاهدات بین‌المللی خارج ساخته است.

۲. کاربرد منافع ملی

منافع ملی اصولاً توسط دولت تعریف می‌شود. دو کاربرد عمده این مفهوم را به شرح زیر می‌توان ذکر کرد.

الف- سیاستمداران از این مفهوم برای پشتیبانی از اقداماتی خاص، به خصوص در سیاست خارجی، بهره می‌جویند. منافع ملی با وابستگی گسترده به ملت به عنوان سازمان اجتماعی و سیاسی، ابزاری قوی برای درخواست پشتیبانی به شمار می‌آید. این واژه به وسیله سیاستمداران در طلب پشتیبانی برای اهداف سیاست داخلی به کار می‌رود، اما با در نظر گرفتن دامنه طبیعی اختلافات در مورد سیاست داخلی، کمتر نیاز به اقناع‌سازی وجود دارد بنابراین کمتر نیز به کار می‌رود. بر عکس در سیاست خارجی این واژه تداعی‌کننده تصویر یک ملت است و بیانگر آن است که دولت - ملت در سامانه بین‌المللی با هرج و مرج که خطرات فراوانی وجود دارد و همیشه منافع ملت در خطر است، از منافع خود دفاع می‌کند.

ب- به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل سیاست خارجی به کار می‌رود، هانس مورگنتاؤ، به عنوان نظریه‌پرداز رئالیستی بر این مطلب اذعان دارد.^(۶) در این حوزه منافع ملی به صورت دسته‌ای از نسخه‌های سیاست

۳. منافع ملی در حوزه هوافضا

در این تحقیق مصادیق منافع ملی به صورت بقای ملی (استقلال و تمامیت ارضی)، فرهنگ ملی و نظام ارزشی و توسعه ثروت و اقتصاد ملی، مفروض گرفته شده است که از سه بعد قلمرو، فناوری - صنعت و امنیت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد..

الف- قلمرو

امروزه قدرت‌های جهانی از قلمرو هوافضا به عنوان مؤثرترین روش برای دفاع از استقلال و تمامیت ارضی خود استفاده می‌کنند به دلیل تسلط وسایل پرنده بر سطح و امکان دید وسیع، سهولت دسترسی به هدف و اعمال کنترل، این قلمرو بسیار مورد توجه کشورهاست. اعمال حاکمیت مؤثر بر قلمرو هوایی ملی و کنترل فضای ماورای جو ضمن حفظ امنیت ملی اسباب توسعه منافع ملی را نیز به همراه دارد. تسلط بر این قلمرو بدون دستیابی به فناوری روزآمد و صنعت پیشرو امکان‌پذیر نیست. افزایش قدرت ملی و نیل به رتبه اول قدرت منطقه‌ای بدون تسلط کافی بر قلمرو هوایی و سطوحی از ماورای جو امری دشوار می‌نماید، زیرا که بناچار دفاع از استقلال و تمامیت ارضی در سطح قلمرو و خشکی و دریا تحقق پیدا می‌کند که هزینه‌های گزافی از بعد انسانی و سایر منابع را به کشور تحمیل می‌کند و نیروهای سطحی را همیشه آسیب‌پذیر نگه می‌دارد، قدرت تحرک سریع و اشراف منطقه‌ای را سلب می‌کند و بعد بسیار مهم از قلمرو ملی (هوا) بدون اعمال حاکمیت

خارجی از درباره «منافع عمومی» به کار می‌رود که نشانگر آن است که چه چیزی برای ملتی در روابط با دیگر کشورها، بهترین است.

این کاربرد از واژه، تنها بر تهدید ملت از طریق آنارشی بین‌المللی تأکید نمی‌کند، بلکه بر تحمیلات خارجی در مورد آزادی تحرک دولت در برابر معاهدات، منافع و قدرت دیگر کشورها و عوامل دیگری در کنار کنترل ملت، نظیر موقعیت جغرافیایی و وابستگی به تجارت خارجی نیز تأکید دارد. این کاربرد تحلیلی از واژه منافع ملی، نقش دولت را عنوان تجسم بخش منافع ملت بسیار برجسته می‌داند. کاربست واقع‌گرایانه این واژه برای ارزیابی سیاست خارجی، بر امنیت ملی به عنوان محور منافع ملی متمرکز است.

منافع دولت و منافع امنیت ملی بسیار به هم نزدیکند. مشکل کاربرد تحلیلی این واژه آن است که هیچ متدولوژی مورد توافقی وجود ندارد که بتوان به وسیله آن بهترین نفع ملت را آزمود. برخی از نویسندگان معتقدند که بهترین منافع آنهایی هستند که به صورت عینی از موقعیت دولت در نظام بین‌المللی تعیین شده باشد و از مطالعه تاریخ و موفقیت‌ها یا نقایص سیاست‌ها قابل استنتاج باشد. برخی هم معتقدند که منافع ملی به صورت ذهنی توسط دولت تفسیر می‌شود و در اصل چیزی است که سیاستمداران به آن منافع ملی می‌گویند.

ملی مؤثر به حال خود رها می‌شود که منبع عظیمی برای تولید قدرت ملی به حساب می‌آید و نهایتاً فضا به عنوان مؤثرترین قلمرو عصر اطلاعات و کنترل جهانی بدون استفاده باقی می‌ماند. فرهنگ ملی و نظام ارزشی صاحبان فناوری هوایی و فضایی در چهارچوب مقررات و استانداردهای بین‌المللی وارد قلمروهای ملی شده و کشورها را ملزم به پذیرش عوامل فرهنگی و ارزشی کشورهای پیشرو در عرصه هوا فضا می‌کند. آزادی پرواز بر قلمروهای هوایی دیگر کشورها از مصادیق بارز این امر است. البته در ارتفاعات فوقانی جو و فضای ماورای جو هیچ محدودیتی برای قدرت‌های هوافضایی برای عبور، عکسبرداری، شناسایی، سنجش و مکان‌یابی به چشم نمی‌خورد که این امر در نتیجه ضعف فناوری و صنعتی اغلب کشورهای در حال توسعه و غیرآن است. تأثیر ارتباطات راه دور و پخش ماهواره‌ای بر فرهنگ و نظام ارزشی‌ها ملت‌ها بسیار چشمگیر است که بدون تسلط بر قلمرو هوا فضا نه می‌توان به مقابله با آثار آن بر فرهنگ ملی برخاست و نه می‌توان از آن طریق بر دیگر جوامع تأثیر قابل ملاحظه‌ای گذاشت. تسلط بر هوا فضا بر بهره‌مندی از ظرفیت‌های این عرصه (حمل و نقل سریع و ایمن) به لحاظ ارتباطی و شناسایی افق‌های دور و حتی شناخت دقیق‌تر منابع زمین از نظر اقتصادی و رشد ثروت ملی حائز کمال اهمیت است. قدرت معیاری برای مهارت و توان دولت - ملت در کنترل محیط و رفتار دیگر

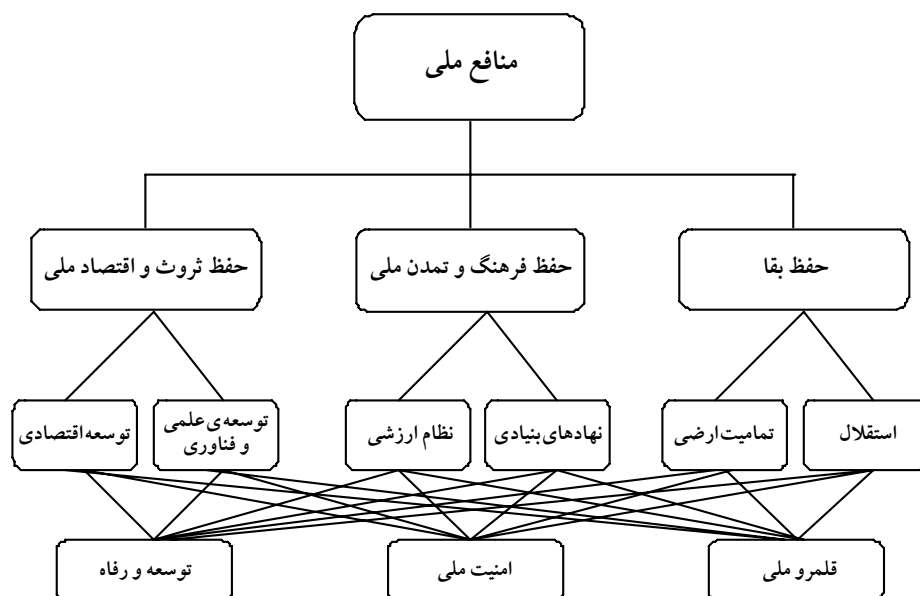
بازیگران در جامعه بین‌المللی تلقی می‌شود^(۷) که بدون آن امنیت ملی، فرهنگ ملی و ثروت و اقتصاد ملی حفظ نشده و توسعه نمی‌یابد و یا به عبارت دیگر منافع ملی محقق نمی‌شود. پس هوافضا قلمروی است که با کنترل و اعمال قدرت در آن، کشور به کنترل محیط و تأثیر بر جامعه بین‌المللی نایل می‌شود. البته کنترل مؤثر بر دو قلمرو دیگر بدون تصرف و حضور مؤثر در این عرصه فناوری و اطلاعات تقریباً ناممکن می‌نماید.

ب- فناوری

عموماً به رابطه جامعه با ابزارها و مهارت‌هایش و اینکه تا چه حدی بر محیط خویش کنترل دارد، فناوری گفته می‌شود. فرهنگ و بستر فناوری را اینگونه تعریف کرده است: «کاربست عملی دانش به ویژه در حوزه‌ای معین و قابلیت ناشی از کاربرد عملی دانش»^(۸). فناوری از جنبه‌های مختلفی جوامع و محیط آنها را تحت تأثیر قرار داده است. در بسیاری از جوامع به توسعه اقتصاد پیشرفته کمک کرده است (از جمله اقتصاد جهانی) و موجب افزایش ساعات فراغت شده است. فناوری را می‌توان به عنوان فعالیتی که فرهنگ را شکل و یا آن را تغییر می‌دهد نیز مورد ملاحظه قرار داد.

رابطه فناوری با قدرت در خور توجه است. فناوری تولیدکننده قدرت ملی است. قدرت را می‌توان معیاری برای قابلیت کنترل محیط و رفتار بازیگران در نظر گرفت. اقتدار نیز اغلب برای قدرت مشروع پذیرفته شده در ساختار

مدل ترسیمی منافع ملی



اجتماعی به کار می‌رود. کاربست قدرت لزوماً به معنی به کارگیری زور و تهدید نیست بلکه بیشتر آن را می‌توان به «نفوذ» تعبیر کرد، هر چند بعضی از اندیشمندان میان قدرت و نفوذ قایل به تفکیک هستند.^(۹) قدرت را از ابعاد سیاسی، اقتصادی، علمی فناوری، اجتماعی - فرهنگی و نظامی می‌توان مورد ملاحظه قرار داد. به هر تقدیر بدون فناوری دستیابی به قدرت ناممکن است. امروزه فناوری هوافضا از عناصر چشم‌گیر قدرت ملی است، اعمال حاکمیت مؤثر و نفوذ در محیط بین‌الملل علاوه برداشتن دیگر لوازم، مستلزم دستیابی به فناوری روزآمد هوافضا است.

- استفاده از دیپلماسی برای اجماع متحدان و به انزوا کشیدن تهدیدات
- داشتن نیروهای مسلح مؤثر
- پیاده‌سازی دفاع غیرنظامی و آمادگی برای مواقع اضطراری
- تأمین زیرساخت‌های منعطف و فراوان برای مواقع بحرانی

- به کارگیری خدمات اطلاعاتی برای کشف و انهدام تهدیدات و جاسوسی یا اجتناب از آن و حفاظت از اطلاعات طبقه‌بندی شده.
- به کارگیری خدمات ضداطلاعات یا پلیس

هانس مورگنتا نویسنده کتاب «سیاست در میان ملل» امنیت ملی را تمامیت سرزمین ملی و نهادهای آن می‌داند.^(۱۰) معیارهای امنیت ملی موارد زیر را شامل می‌شود:

ج- امنیت ملی

به لازمه حفظ بقای دولت - ملت از طریق به کارگیری قدرت اقتصادی، نظامی، سیاسی و با اعمال دیپلماسی، امنیت ملی اطلاق می‌شود.

امنیت برای حفظ ملت از تهدیدات داخلی^(۱۱)
امنیت توسعه، دیپلماسی و دفاعی^۴
چهارچوبی برای توسعه، دیپلماسی و دفاع به
عنوان استراتژی های امنیت است..

برای بسیاری از مردم کلمه امنیت سازمان
نظامی و دفاع را تداعی می کند در صورتی که
دفع تهدیدات ابزارهای مختلفی را در عصر
حاضر طلب می کند تهدیداتی مثل آنفولانزای
پرنندگان، HIV، تهدیدات سایبری، فرهنگی و
زیست محیطی نیازمند نگرشی ژرف به مقوله
امنیت ملی است. امنیت توسعه ناظر به تلاش های
دولتی و غیردولتی برای ساختن بنیادهای
اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای جامعه با ثبات
است. امنیت دیپلماسی به روابط یا مذاکرات
میان کشورها و ملت ها برای حل مشکلات در
مقابل درگیری ها از طریق سیاسی و حقوقی
دلالت دارد. مذاکرات سازمانی مقامات رسمی،
و دیپلماسی غیررسمی میان مذهب، صاحبان
مشاغل مختلف، دانشگاهیان و دیگر رهبران
مدنی در مسیرهای موازی کارآیی خوبی دارند تا
به توافقاتی برسند که مشروع، مورد حمایت
گسترده و با ثبات هستند. امنیت دفاعی به گسترده
وظایف نظامی شامل پرداختن به جنگ، صلح بانی
و پاسخگویی هماهنگ به بلایا اطلاق می شود.
حفظ قلمرو هوا-فضا از بعد دفاعی، علم و فناوری
فضایی از بعد توسعه و رفاه ملی، کنترل اطلاعات
ناشی از هوا فضا از نظر امنیتی مواردی هستند که
مقوم امنیت و ثبات ملی به شمار می آیند.

قابلیت ملی

۱. مفهوم قابلیت ملی

توان یک موجودیت (اداره، سازمان، شخص و
سیستم) برای دستیابی به اهداف، به خصوص در
مورد مأموریت کلی را قابلیت گویند.^(۱۲)

قابلیت راهبردی به ظرفیت دولت ملت برای
بقا، خوشبختی، پیشرفت و دستیابی به ارزش های
آینده اطلاق می شود. قابلیت ملی یا قابلیت
راهبردی، شکل دهنده قدرت یک کشور در
دستیابی به مقاصد یا عقیم گذاردن اهداف دیگران
در زمان و مکان معین و در جنگ و صلح است.
با قابلیت، یک ملت می تواند راه کارهای مطلوب
را بی آنکه لطمه ای ناروا به ساختمان اقتصادی و
اجتماعی خود وارد شود یا منافع حیاتی به
خطر بیفتد، به مورد اجرا گذارد. قابلیت، جمع
عناصر قدرت ملی است که شامل سیاست،
نظامی گری، اقتصاد، اجتماع، علم، فناوری،
روحیه، اخلاق و جغرافیا می شود و یا به ترکیب
ابزارهایی که توان وارد کردن قدرت مؤثر را
دارند نیز گفته می شود.^(۱۳)

به بیانی دیگر قدرت ملی به قابلیت یا توان
یک کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی - اجتماعی
فرهنگی و نظامی - امنیتی در مقایسه با قابلیت
رقیبان حال و آینده اطلاق می شود. دولت ها
برای تحقق اهداف و تأمین منافع خود در برابر
رقیب یا رقبا از مؤلفه های قدرت (اقتصادی،
اجتماعی، فرهنگی و نظامی - امنیتی) استفاده
می کنند. برای طرفین، بررسی و ارزیابی اوضاع

سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و موقعیت ژئوپولیتیکی رقیب به منظور تشخیص قابلیت یکدیگر در همه ابعاد یا برخی از آنها ضروری است که به این اقدام برآورد راهبردی گفته می‌شود. همیشه محاسبه‌های اشتباه در زمینه‌های نظامی و امنیتی برای کشورها فاجعه آفرین بوده است.

اتخاذ سیاست معقول، نیاز به شناخت و آگاه از قابلیت، نیات و آسیب پذیری‌های رقیب دارد که مستلزم بررسی و تحلیل منافع ملی، اهداف ملی، سیاست خارجی، دکترین، راهبرد ملی و تعهدات بین‌المللی اوست. قابلیت ملی در حوزه هوافضا که در عصر جهانی شدن و اطلاعات از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است از دیدگاه مؤلفه‌های قدرت (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و امنیتی) برای کسب تفوق راهبردی حائز کمال اهمیت است.

دستیابی به فضا قابلیت بین‌المللی نیز محسوب می‌شود، برخی از کشورها وسایل حمل و نقل فضایی کارآمدی دارند که به شرح زیر می‌توان از آنها یاد کرد:

امریکا: اطلس، دلتا، پگاسوس، شاتل فضایی برای سامانه حمل و نقل فضایی، تاروس و تیتان؛

فرانسه: آریان

روسیه: پروتون و سایوز

اوکراین: زنیت

چین: Long march

ژاپن: H-2

بعضی از این راکت‌ها می‌توانند تا حدود ۱۸۵۰۰ کیلوگرم بار را به مدار پایین زمین (LEO) بالا ببرند. تعدادی از آنها با سرنشین هستند. شاتل فضایی قادر است حدود ۲۹۵۰۰ کیلوگرم بار را به مدار پایین زمین برساند. صرف حمل بار مورد توجه نیست بلکه هزینه، استفاده مجدد از شاتل، قابلیت اطمینان، پاسخگویی به نیاز و زمان قراردادن موفقیت‌آمیز سرمایه و دارایی‌ها در فضا، مسئله‌ای اساسی است. قابلیت پرتاب سفینه به فضا در امریکا نزدیک به پنجاه سال است که با اهداف نظامی، اطلاعاتی و کاربرد تجاری به وجود آمده است. امریکا برای مقاصد نظامی و اطلاعاتی خود سفینه‌های بی‌سرنشین را به مدارهای متعددی از مدار پایین زمین تا مدار ثابت زمین (به ارتفاع ۳۵۷۸۶ کیلومتر) پرتاب کرده است. تاکنون کاربران غیرنظامی فضا، سفینه‌های بی‌سرنشین را به سطوح پایین مدار زمین فرستاده‌اند. تکثیر ماهواره‌های تجاری و نظامی با عمر و قابلیت بیشتر برای دیدن زمین، میزان پرت‌آب‌ها را کاهش داده است که در نتیجه مانع سرمایه‌گذاری‌های جدید برای پرتاب وسایل حمل و نقل فضایی شده است.^(۱۴)

۲. مدیریت قابلیت

این وظیفه به مدیریت جامع سطح بالا و با کاربرد ویژه در حوزه دفاع اطلاق می‌شود. قابلیت به کیفیت توانایی، داشتن ظرفیت و توانایی کاری، دستیابی به نتایج مشخص و یا اهداف اعلامی گفته می‌شود. سازمان‌ها با ماتریسی از قابلیت‌ها

و باتریکب های مختلف آنها برای به دست آوردن خروجی ها تلاش می کنند. مدیریت قابلیت درصدد است تا اقتصاد را در مواجهه نیازهای عملیاتی از طریق به کارگیری قابلیت های موجود و توسعه قابلیت های آینده موازنه کند تا به اهداف رقابتی و عملیاتی سازمان دست یابد. بر این اساس مدیریت مؤثر قابلیت شامل موارد زیر می شود:

- کمک به کشور برای درک بهتر، گردآوری مؤثر، تنظیم مجدد و به کارگیری کامل ظرفیت و قابلیت برای نیل به اهداف راهبردی؛
- تأمین و توسعه راه حل های نوآورانه که بر مدیریت کلیه وظایف و فعالیت های به هم مرتبط در حوزه راهبردی کشور متمرکز باشد.

قابلیت در ابعاد متعددی ارزیابی و مدیریت می شود. ارتش امریکا قابلیت های خود را در ابعاد زیر مورد ارزیابی قرار داده است:
دکترین، سازمان، آموزش، توسعه هدایت و رهبری، مواد، کارکنان، تأسیسات.
وزارت دفاع بریتانیا موارد زیر را ملاک قرار داده است:

آموزش، تجهیزات، کارکنان، اطلاعات، مفاهیم و دکترین، سازمان، زیرساخت ها و لجستیک.

وزارت دفاع استرالیا ابعاد زیر را ملاک ارزیابی و مدیریت قابلیت را اعلام کرده است:
فرمانده و مدیریت، سازمان، سامانه های

عمده، کارکنان، تهیه و تأمین، پشتیبانی، تأسیسات، آموزش جمعی.^(۱۵)

۳. اقتصاد هوا فضا

از نظریه پردازان قدیمی قدرت هوایی تا استراتژیست های هوا فضایی، اقتصاددانان و سیاستمداران، همگی رابطه مهم میان صنایع هوا فضا، اقتصاد و قدرت هوا فضایی دولت را پذیرفته اند.

جیولیو دوهه (استراتژیست هوایی) هر سه جنبه فوق را در اثر بنیادی خود به هم مرتبط ساخت و نظریه «فرمانده بر هوا» را مطرح ساخت.^(۱۶) او علاوه بر پیش بینی آینده هوانوردی نظامی، تلاش کرد تا ناوبری هوایی را به عنوان روش جدید حمل و نقل شرح دهد.

ژنرال امریکایی «بیلی میچل» در مورد قدرت هوایی چنین اظهار نظر کرده است:

«آنهایی که علاقه مند به آینده کشور هستند نه تنها از دیدگاه دفاع ملی، بلکه از نظر مدنی، بازرگانی و اقتصادی نیز این قضیه را باید به دقت مورد مطالعه قرار دهند، زیرا قدرت هوایی عامل فراگیری در توسعه جهان خواهد بود.»^(۱۷)

دیگر استراتژیست قدرت هوایی الکساندر سورسکی، ضرورت توسعه دو جانبه تجاری و نظامی هوا فضا را پیش بینی کرده بود. در این مورد دونالد رایس اینگونه اظهار نظر کرده است:

بیشترین ظرفیت برای قدرت هوا - فضایی این است که فناوری های پیشرفته را فراهم

می آورد و اهمیت فزاینده فناوری را برای دفاع ملی معلوم می سازد.^(۱۸)

بسیاری از صاحب نظران بر اهمیت صنایع هوافضا برای رفاه و رقابت اقتصادی تأکید کرده اند. اقتصاددانان امریکا از جمله رابرت ریچ، لورایتسون و لستر تورا، هوافضا را به عنوان صنعت کلیدی برای آینده معرفی کرده اند.^(۱۹)

ارتباط میان هوافضای تجاری و نظامی یعنی دو عنصر قدرت هوافضایی، اساساً با قدرت دریایی و زمینی فرق می کند. مثلاً اگر کشوری تولید و ادوات زره را متوقف کند به این معنی نیست که اتومبیل هم تولید نخواهد کرد، همین طور این ارتباط میان نیروی دریایی و دریانوردی تجاری برقرار نیست. امریکا اولین نیروی دریایی دنیا را داراست در صورتی که دریانوردی تجاری آن از نظر رتبه بندی در دنیا خیلی پایین تر از رأس قرارداد و غیر از ساخت سایر شناورها، کشتیرانی تجاری فقط یک سفارش برای کشتی بالای ۱۰۰۰ تن در سال ۱۹۹۱ دریافت کرد. در مقابل، ژاپن که نقش رهبری در کشتی سازی دنیا را برعهده دارد، بزرگ ترین کشتیرانی دنیا را داراست لیکن نیروی دریایی بسیار محدودی دارد. هوا فضا از موقعیت بی مانندی از نظر ارتباط میان صنعت و نیروی مسلح، فعالیت های دولت و اقتصاد برخوردار است و این ارتباط تأثیر هم افزایی در هریک از این عناصر دارد. تأثیر صنعت هوا فضا بر اقتصاد ملی را در موارد زیر می توان بر شمرد:

- ایجاد اشتغال گسترده به خصوص برای

منابع انسانی دانش آموخته و فناور (به دلیل بسیار وسیع بودن قطعات وسایل پرنده و پیچیدگی آنها از نظر فناوری، منابع انسانی قابل ملاحظه ای جذب این بخش می شوند، ضمن آنکه فناوری، مهارت و مشاغل سطح بالا از استانداردهای بسیار مهم برای سطح زندگی به شمار می آیند.)

- به کارگیری و استخدام دانشمندان و مهندسان از دیگر شاخص های قدرت اقتصادی هوافضا است.

- زایش فناوری های نواقبال هوافضا که از ارزش افزوده قابل ملاحظه ای بهره مند است.

تأکید بخش نظامی بر قابلیت عملیاتی و تحرک و تأکید بخش تجاری بر هزینه و قابلیت رقابت فراورده های صنعت هوا فضا محور ارتقای فناوری و موجب نوآوری در این بخش محسوب می شود. از سوی دیگر نیاز نیروهای مسلح برای مقابله با تهدیدات موجب ساخت موتورها و پیشرانه هایی می شود که بعداً به کارگیری آنها در بخش تجاری رقابت پذیری را ارتقاء بخشیده، هزینه ها را کاهش داده و زمان مصرف شده برای حمل و نقل را به حداقل می رساند و بالاخره نیازهای نظامی برای تفوق بر رقیب، فضا را به عنوان قلمروی جدید برای شناسایی، ارتباطات راه دور، سنسچس از دور، اطلاعات و... در آورده است که به تبع آن بخش های تجاری نیز از این حوزه بهره مند شده اند.

تعهدات ملی ۱. مفهوم تعهدات

تعهدات بین المللی قراردادی و عرفی هر کشوری از ارکان مهم در امنیت ملی و استراتژی بزرگ است. تعهدات قراردادی و عرفی در جامعه بین المللی، کشورهای طرف معاهده را به انجام اعمالی خاص، در زمان و مکانی معین وادار می کند. بسیاری از این تعهدات علایق و نیازهای مشترک کشورهای جهان است که از این طریق آنها را با یکدیگر پیوند می دهند. برخی از تعهدات دوجانبه یا چند جانبه محدود که با ارزش ها و نیازهای مشترک جامعه جهانی در تعارض است، جامعه بین المللی را به سوی تنش سوق می دهد زیرا ارزش ها و منافع خاص کشوری یا کشورهایی را به جامعه بین المللی تحمیل می کند.

ریشه های واقعی نظم در جامعه بین المللی و تعهدات را برخی متفکران در محدوده قالب های صوری قواعد دانسته اند که معاهدات بین المللی یکی از آن قالب های صوری است به عقیده پیروان مکتب وضعی^۵ توافق صریح یا ضمنی دولت ها منبع قواعد و مقررات بین المللی است که به طور صریح (معاهده) یا ضمنی (عرف) به تصویب دولت ها رسیده باشد. به عقیده این صاحب نظران، دولت ها هم خالق قاعده هستند و هم تابع آن.^(۲۰)

متفکران مکتب عینی^۶، معاهده و عرف را صورت خارجی منابع واقعی حقوق بین الملل دانسته اند که قالبی برای قواعد است. آنها علت

وجودی حقوق بین الملل را در مبانی اجتماعی آن جست و جو کرده اند و با بررسی مبادی جامعه شناختی هنجارهای بین المللی^۷ و تحلیل مبانی اخلاقی، سیاسی و اقتصادی جامعه بین الملل عوامل مؤثر در همبستگی اجتماعی بین المللی را بیان کرده اند. قواعد از حقایق نشئت می گیرند که ریشه در تحولات و حقایق تاریخی دارد و با ضرورت های اجتماعی موافق باشد.^(۲۱)

ایجاد نظم بین المللی، علت و ضرورت تعهدات و رعایت مقررات بین المللی را تشکیل می دهد.

در جامعه بین المللی دولت ها در مسیر دستیابی به اهداف امنیت ملی و منافع ملی آزاد نیستند، بلکه تعهدات برخاسته از ضرورت های جامعه بین المللی آنها را محدود می سازد. به عبارت دیگر کشورها بخشی از آزادی های خود را از دست می دهند تا از مزیت زیست در جامعه بین المللی برخوردار شوند. قدرت های جهانی با توجیه تحمیلات خود به بهانه ضرورت وجود قدرت برای برقراری نظم در جامعه بین المللی و القای ارزش های خاص خود تعهدات شکل گرفته براساس رضایت و اراده دولت ها و یا نشئت گرفته از نیاز ملت ها، نظم موجود و تعهدات آن را سیال ساخته اند. به هر صورت تعهدات در نظم جهانی متأثر از خواست قدرت ها

۵. Positivism، انزیلوتی از طرفداران این مکتب است.

۶. Objectivism، ژرژسل، شارل دو ویشه و بورکن از طرفداران این مکتب هستند.

7. International Norms

و حقوق به مفهوم تنظیم کننده رابطه قدرت، جامعه بین المللی لرزان را شکل داده است، واقعیتی که نمی توان آن را با معیارهای عدالت و انصاف مورد ارزیابی قرار داد. مهم آن است که استراتژیست واقع گرا با شناخت بنیادی ماهیت تعهدات و جامعه بین المللی راهبردهای ملی را تدوین و به مرحله اجرا بگذارد. تعهدات ملی در حوزه هوافضا شامل کنوانسیون شیکاگو ۱۹۴۴، ضوابط و دیگر اسناد مربوط به آن در مورد مقررات مربوط به هوا و هوانوردی بین المللی غیرنظامی است و معاهدات مربوط به فضای ماورای جو ۱۹۶۷، موافقتنامه ماه ۱۹۷۹، مسئولیت بین المللی برای خسارات وارده ناشی از اشیای فضایی ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت اشیای پرتابی به فضا از جمله تعهدات کشورهای عضو این معاهدات محسوب می شوند. موارد یاد شده در شمار تعهدات قراردادی بین المللی است که به آنها تعهدات ناشی از عرف بین المللی افزوده می شود.

۲. تعهدات مربوط به هوانوردی

مهم ترین سند بین المللی که ضوابط هوانوردی، حاکمیت کشورها، استانداردهای هواپیما و پرواز، عملیات هوانوردی، ایمنی، مراقبت پرواز، ارتباطات هوانوردی، فرودگاهها، بازرسی سوانح هوایی، امنیت و حفاظت هواپیمایی در برابر اعمال غیرقانونی، حمل و نقل کالاهای خطرناک، حمل و نقل هوایی بین المللی و عبور از فراز کشورها را در جامعه بین المللی تنظیم

کرده و کشورهای متعاقد را ملزم به رعایت مقررات خود نموده است، کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو، ضوابط و موافقتنامه منضم به آن است. این معاهده منحصراً مقررات هواپیمایی غیرنظامی را بیان کرده است هر چند در مورد قلمرو هوایی به عنوان بخشی از سرزمین ملی اشاره کرده و آن را اینگونه تعریف کرده است: «هر کشوری نسبت به قلمرو هوایی بالای سرزمینش تا به ارتفاع نامعینی، از حاکمیت انحصاری برخوردار است»^۸. به دنبال دسترسی انسان به فضای ماورای، این بحث مطرح شد که حدی بین قلمرو هوا و فضا وجود دارد، این امر مورد پذیرش قرار گرفت اما در مورد قطر لایه هوا که در برگیرنده قلمرو هوایی است هنوز معاهده‌ای شکل نگرفته است. این سند بین المللی میان هواپیماهای دولتی و هواپیماهایی که در خدمات هوایی حمل و نقل مسافر و کالا به کار گرفته می شوند، تفکیک قایل شده است. به صرف اینکه مالکیت هواپیما با دولت باشد یا دولت شرکت هواپیمایی را اداره کند، هواپیما دولتی محسوب نمی شود. به هواپیمای مورد استفاده در امور نظامی، گمرک و پلیس هواپیمای دولتی گفته می شود.^۹ البته همه اینها از مصادیق هواپیمای دولتی نیست. هواپیماهای دولتی را به صورت زیر می توان دسته بندی کرد:

الف- هواپیماهای گمرکی

ب- هواپیماهای پلیس

۸. ماده ۱ کنوانسیون شیکاگو

۹. ماده ۳ کنوانسیون شیکاگو

ج- هواپیماهای نظامی

د- هواپیماهای پست

ه- هواپیماهای حامل سران کشور

و- هواپیماهای حامل مقامات بلند پایه دولتی

ز- هواپیماهای در مأموریت ویژه

کشورهای عضو کنوانسیون شیکاگو موظفند

که برای هواپیمایی دولتی خود مقرراتی وضع

کنند و ایمنی هوانوردی کشوری را مراعات

نمایند. هواپیماهایی که در سرویس های هوایی

منظم و نامنظم بین المللی پرواز می کنند به عنوان

هواپیمایی کشوری شناخته می شوند.^(۲۲)

شناخت این حوزه ها به لحاظ مسائل مربوط به

مسئولیت بین المللی کشورها در جامعه

بین المللی حائز کمال اهمیت است.

جمهوری اسلامی ایران از کشورهای قدیمی

است که کنوانسیون شیکاگو را تصویب کرده

است و به آن پای بند است اما در مورد ضمامت

کنوانسیون وضع اینگونه نیست. ضمامت اسنادی

هستند که عینیت بخشی به کنوانسیون در

حوزه های مختلف عملیاتی، فنی، استانداردهای

پرواز بازرسی، سوانح، مراقبت پرواز و... را

برعهده دارند و به صورت قانون در نیامدن آنها

مشکلاتی را در محیط ملی و بین المللی به وجود

می آورد. اما می توان گفت که اقدام در مورد

ضمامت و دیگر مدارک و اسناد ایکائو به صورت

رویه ای مورد قبول سازمان های هوانوردی است

و به آن عمل می شود. قانونی شدن ضمامت

کنوانسیون شیکاگو این اسناد را برای همه

سازمان های ذی ربط کشور الزام آور ساخته و

اقدامات همه بخش های هوانوردی را منسجم و

دارای ضابطه و مسئولیت آنها مدون می کند.

ضمن آنکه تعهدات بین المللی در حوزه های

فنی و عملیاتی و غیر آن را برای کشور به همراه

خواهد داشت.

۳. تعهدات مربوط به فضا

الف- معاهده مربوط به فعالیت کشورها در

اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو شامل

ماه و دیگر اجرام آسمانی، موسوم به معاهده فضا

اولین سند بین المللی بود که در سال ۱۹۶۷ پا به

عرصه وجود گذاشت. در این معاهده استفاده از

فضا در راستای منافع همه کشورها بدون در نظر

گرفتن درجه توسعه یافتگی آنها مطرح شده

است. فضا موضوع حاکمیت و مختص به ملت

معینی تلقی نمی شود. استفاده از فضا بر طبق

اصول حقوق بین الملل و در راستای حفظ صلح

و امنیت بین المللی و ترویج همکاری و مفاهمه

بین المللی صورت می پذیرد. احترام و کمک به

فضانوردان، مسئولیت کشورها ناشی از فعالیت

در فضا و رعایت منافع دیگر کشورها، اکتشافات

صلح آمیز در فضا، بازبودن ایستگاه ها و تأسیسات

و وسایل فضایی به روی دیگر نمایندگان

کشورهای عضو و اعلام اقدامات و نتایج آن به

دبیرکل سازمان ملل متحد و جامعه علمی

بین المللی از دیگر موارد مهم این معاهده به

شمار می آید.

ب- موافقتنامه مربوط به نجات و بازگرداندن

فضانوردان و اشیای پرتابی به فضا که در آوریل

- ۱۹۶۸ به امضاء رسید و در دسامبر ۱۹۶۸ لازم الاجرا شد، مواردی را به شرح زیر مطرح ساخته است:
- کشورهای عضو به محض دریافت خبر از فرود اضطراری سفینه‌ای در قلمرو سرزمینی خویش و یا حتی دریاهای آزاد سریعاً موضوع را به کشور پرتاب‌کننده و دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کند.
 - کشورهای عضو برای حفظ نجات فضاوردان اقدام فوری کند و آنها را به کشورشان بازگرداند.
 - کشورهای عضو برای حفظ نجات فضاوردان در خطر در دریای آزاد باید اقدام کنند.
 - هزینه‌های اقدامات توسط کشور پرتاب‌کننده تأمین و پرداخت خواهد شد.
- ج- موافقتنامه ماه ۱۹۷۹، اهم مطالب آن به این شرح است:**
- مفاد این موافقتنامه در مورد دیگر اجرام آسمانی در منظومه شمسی به غیر از زمین نیز اعمال خواهد شد مگر اینکه قاعده دیگری لازم الاجرا شود.
 - کلیه اقدامات در ماه براساس حقوق بین‌الملل انجام خواهد شد.
 - از ماه صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز استفاده خواهد شد.
 - کشورها دبیر کل سازمان ملل متحد و جامعه علمی بین‌المللی را از فعالیت‌های خود آگاه سازند.
- د- اصول مربوط سنجش از راه دور، ۱۱ دسامبر ۱۹۸۶
- اهم مطالب مربوط به سنجش از دور شامل موارد زیر می‌شود:
- تعریف: سنجش سطح زمین از فضا با استفاده از تجهیزات با امواج الکترومگنتیک با تابش و بازتاب امواج از اشیای مورد سنجش، برای اهداف توسعه مدیریت منابع طبیعی، استفاده از زمین و حفاظت از محیط زیست.
 - سنجش از راه دور برای منافع کشورها بدون توجه به درجه توسعه‌یافتگی آنها انجام خواهد شد.
 - سنجش از راه دور طبق حقوق بین‌الملل از جمله منشور ملل متحد، معاهده فضا و اسناد ITU انجام خواهد شد.
 - کشورهایی که به اقدامات سنجش از راه دور اقدام می‌کنند همکاری بین‌المللی را ترویج کنند و برای دیگر کشورها مشارکت

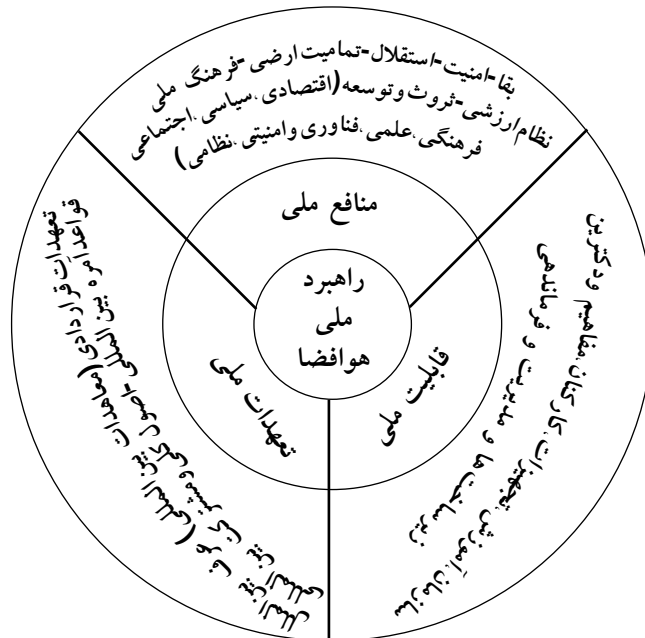
در آن را فراهم آورند.
 - کشورها در قالب توافقنامه‌هایی برای عملیات جمع‌آوری اطلاعات و ایستگاه‌های ذخیره و پردازش و تفسیر آنها ترتیباتی را فراهم آورند.
 - کشورها از اقدامات خود دبیر کل سازمان ملل را مطلع سازند.

۵- اسناد ITU

در کنفرانس اجرایی رادیو برای ارتباطات راه دور فضایی در سال ۱۹۷۱، قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن برای همه کشورهای حقوق مساوی (در مورد استفاده از فرکانس‌های رادیویی تخصیص یافته به خدمات مختلف ارتباطات راه دور رادیویی فضایی و مدار ماهواره‌های ثابت زمینی برای این خدمات) در نظر گرفته شد که در ۱. ثبت فرکانس‌های تخصیص یافته برای خدمات ارتباطات رادیویی فضا برای هر کشور یا گروه کشورها.
 ۲. کشورها همه معیارهای عملی را به کار گیرند تا امکان استفاده از سیستم‌های فضایی جدید برای دیگر کشورها هم فراهم شود. (۲۳)

تعهدات ذکر شده شمه‌ای از تعهدات بین‌المللی فضا می‌باشد لیکن راهبرد ملی هوا

مدل مفهومی تحقیق



فضا نیازمند شناخت دقیق تعهدات حوزه‌های مختلف در این عرصه می‌باشد که بدون ملاحظه آن تدوین و اجرای راهبرد هوافضا ناکارآمد خواهد بود.

تجزیه و تحلیل

همان‌گونه که از مدل مفهومی برمی‌آید، به پرسش‌های سه‌گانه تحقیق اینگونه می‌توان پاسخ گفت:

الف- منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در حوزه هوافضا شامل بقاء، امنیت، استقلال، تمامیت ارضی، فرهنگ ملی، نظام ارزشی، ثروت و توسعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، علمی - فناوری و امنیتی - نظامی) می‌شود.

ب- قابلیت‌های زمینه‌ساز برای دستیابی به قدرت در حوزه هوافضا شامل سازمان، آموزش، تجهیزات، کارکنان، مفاهیم و دکترین، زیرساخت‌ها، مدیریت و فرماندهی می‌شود.

ج- تعهدات بین‌المللی در حوزه هوافضا شامل تعهدات قراردادی (معاهدات بین‌المللی)، عرف بین‌الملل قواعد امره بین‌المللی، اصول کلی و مشترک بین‌المللی می‌شود.

نتایج به دست آمده به صورت پرسشنامه ۵ گزینه‌ای در جامعه‌ای مرکب از ۳۰ نفر از خبرگان هوافضا در حوزه‌های علمی - فناوری، راهبردی توزیع شده است که معناداری روابط

عوامل با منافع ملی، قابلیت‌ها و تعهدات از طریق به کارگیری فرمول K^2 و با استفاده از نرم‌افزار Spss به شرح زیر است:

الف- منافع جمهوری اسلامی ایران در حوزه هوافضا شامل بقاء، امنیت، استقلال، تمامیت ارضی، فرهنگ ملی، نظام ارزشی، ثروت و توسعه (اقتصادی، سیاسی، اجتماعی - فرهنگی، علمی - فناوری و امنیتی - نظامی) می‌شود.

اول: H_0 : میان انتخاب گزینه‌ها تفاوت معناداری وجود ندارد.

دوم: محاسبه K^2 از رابطه

$$x^2 = \sum \frac{(F_o - F_e)^2}{F_e}$$

$$x^2 = 42/33$$

Q1

	Observed N	Expected N	Residual
1.00	20	6.0	14.0
2.00	5	6.0	-1.0
3.00	2	6.0	-4.0
4.00	2	6.0	-4.0
5.00	1	6.0	-5.0
Total	30		

سوم: محاسبه K^2 بحرانی

در سطح اطمینان ۹۵٪ و با توجه به درجه آزادی $df=n-1=5-1=4$ مقدار K^2 به دست آمده از جدول مساوی با ۱۷/۴۶ است.

چهارم: چون مقدار K^2 محاسبه شده از K^2 بحرانی بزرگ‌تر است فرض صفر رد می‌شود و نتیجه به دست آمده تأیید

می شود. $42/33 > 18/46$

ب- قابلیت های زمینه ساز برای دستیابی به قدرت در حوزه هوافضا، شامل سازمان، آموزش، تجهیزات، کارکنان، مفاهیم و دکتترین، زیرساخت ها، مدیریت و فرمانده می شود.

اول: H_0 : میان انتخاب گزینه ها تفاوت

معناداری وجود ندارد.

H_1 : میان انتخاب گزینه ها تفاوت

معناداری وجود دارد.

دوم: محاسبه K^2 به شرح جدول:

Q2

	Observed N	Expected N	Residual
1.00	19	7.5	11.5
2.00	8	7.5	.5
3.00	2	7.5	-5.5
4.00	1	7.5	-6.5
Total	30		

سوم: محاسبه K^2 بحرانی

در سطح اطمینان ۹۵٪ و با توجه به درجه آزادی $df=n-1=4-1=3$ مقدار K^2 به دست آمده از جدول مساوی با $16/27$ است.

چهارم: چون مقدار K^2 محاسبه شده از K^2 بحرانی بزرگ تر است فرض صفر رد می شود و نتیجه به دست آمده تأیید

می شود. $27/16 > 27/16$

ج- تعهدات بین المللی در حوزه هوافضا شامل

تعهدات قراردادی (معاهدات بین الملل)، عرف

بین الملل، قواعد امره بین المللی، اصول کلی و

مشترک بین المللی می شود.

اول: H_0 : میان انتخاب گزینه ها تفاوت

معناداری وجود ندارد

H_1 : میان انتخاب گزینه ها تفاوت

معناداری وجود دارد.

دوم: محاسبه K^2 به شرح جدول:

Q3

	Observed N	Expected N	Residual
1.00	16	6.0	10.0
2.00	3	6.0	-3.0
3.00	4	6.0	-2.0
4.00	5	6.0	-1.0
5.00	2	6.0	-4.0
Total	30		

سوم: محاسبه K^2 بحرانی

در سطح اطمینان ۹۵٪ و با توجه به درجه آزادی $df=n-1=5-1=4$ مقدار K^2 به دست آمده از جدول مساوی با $18/46$ است.

چهارم: چون مقدار K^2 محاسبه شده از K^2 بحرانی بزرگ تر است فرض صفر رد می شود و نتیجه به دست آمده تأیید

می شود. $27/16 > 18/46$

نتایج آزمایش «T» به شرح زیر است:

Test Statistics

	Q2	Q2	Q3
Chi-Square ^{a,b}	42.333	27.333	21.667
df	4	3	4
Asymp. Sig.	.000	.000	.000

a. 0 cells (.0%) have expected frequencies less than

5. The minimum expected cell frequency is 6.0.

b. 0 cells (.0%) have expected frequencies less than

5. The minimum expected cell frequency is 7.5.

One-Sample Statistics

	N	Mean	Std.Deviation	Std.Error Mean
Q1	30	1.633	1.09807	.20048
Q2	30	1.5000	.77682	.14183
Q3	30	2.1333	1.40770	.25701

One-Sample Test

	Test Value = 0					
	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
Q1	8.147	29	.000	1.63333	1.2233	2.0434
Q2	10.576	29	.000	1.50000	1.2099	1.7901
Q3	8.301	29	.000	2.13333	1.607	2.6590

فرجام

سایر اعضای جامعه بین المللی تأثیر عملی چندانی ندارد. پس از دستیابی کشورهای در حال توسعه به قابلیت هوافضایی قواعد و رویه های حاکم و بهره برداری قدرت ها به قدری گسترده شده و رواج یافته است که بهره مندی این کشورها را تحت الشعاع خود قرار می دهد.

قابلیت هوافضایی به کشور دارنده آن امکان می دهد که در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و نظامی - امنیتی حوزه و شدت نفوذ خود را افزایش دهد و منافع ملی خود را با تأثیرگذاری بر منافع دیگران به حداکثر برساند و نظام تعهدات بین المللی را به دلیل پیشتاز بودن تنظیم نماید. یافته های تحقیق نیز بیان گر آن است بدون داشتن راهبرد ملی هوافضا مبتنی بر الزامات آن نمی توان شاهد رشد منسجمی در حوزه هوافضا، تولید و افزایش قدرت ملی شد. ارکان راهبرد که پرسش های تحقیق ناظر بر آنهاست. پس از نظرسنجی از جامعه آماری (به تعداد ۳۰ نفر و به صورت تمام شمار) به روش علمی مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین می توان گفت که الزامات راهبرد ملی هوافضا شامل منافع ملی، قابلیت ملی و تعهدات ملی می شود. که پرداختن به آنها در ملاحظات راهبردی از اولویت خاصی برخوردار است.

اختراع هواپیما، کشف اتم و شکافت هسته ای در قرن بیستم بر استراتژی های کلان و نظامی کشورهای صاحب این فناوری ها تأثیر شگرفی گذاشت. اما با دستیابی انسان به فضا، موضوع قدرت از گستره بیشتری برخوردار شد. از ویژگی های عصر حاضر می توان اولاً به تغییرات عمده محیطی در نتیجه کسب اطلاعات ناشی از فعالیت های هوافضا و به خصوص در فضای ماورای جو اشاره کرد (عصر اطلاعات). ثانیاً قدرت های هوافضایی در صدد بهره برداری از ظرفیت های هوافضا برای افزایش منافع ملی خود هستند. ثالثاً قدرت نظامی کشورهای دارای قابلیت هوافضایی از نظر کنترل صحنه، شناسایی، هدایت جنگ، میزان کشندگی سلاح ها و گسترش صحنه جنگ ها به شدت افزایش یافته است. در نتیجه، قدرت های هوافضایی به میزان افزایش قابلیت خود در این حوزه به فکر افزایش منافع خود افتاده اند و تعهدات و حقوق بین الملل را به دلیل تقدم در کشف و بهره برداری، براساس رابطه قدرت تنظیم و تدوین کرده اند، هر چند در معاهدات به مواردی از قبیل میراث مشترک بشر یا آزادی تحقیق علمی بدون تبعیض اشاره ای شده است ولی به دلیل فقدان قدرت هوافضایی در

پی نوشت ها

۲۱. همان.

۲۲. نواده توپچی، حسین، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، انتشارات عقیدتی سیاسی نیروی هوایی، ۱۳۷۷، ص ۵۳.
۲۳. نواده توپچی، حسین، پیشین، ص ص ۳-۱۳۲.

منابع

فارسی

۱. فلسفی، هدایت ا...، حقوق بین الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران ۱۳۸۳.
۲. کالینز، جان. ام، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ۱۳۷۳.
۳. نواده توپچی، حسین، حقوق بین الملل فضا، انتشارات سازمان ع. س ارتش ۱۳۸۷.
۴. نواده توپچی، حسین، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، انتشارات ع. س نیروی هوایی ۱۳۷۷.

لاتین

1. <http://www.answers.com/topic/national-intrest>.
2. <http://www.kellog.northwestern.edu/news/whatsnews/mbaupdate.htm>.
3. <http://www.nap.edu/openbook.php?record-id=10980&page=53>.
4. <http://en.wikipedia.org/wiki/capability-management>.
5. merriam_webster dictionary, 2007.
6. nussbaum, Martha c (2000) woman and human development: the capability approach (Cambridge university press).
7. Outer space treaty 1967.
8. Rice, Donald B. AFS future strategy, air force times, march 26, 1990.
9. Rice, Robert, the work of nations, New York: vintage books, 1992.
10. Tarnow, eugen (2000) a quantitative model of amplification of power through order and the concept of group defence. <http://cogprints.org/4275/>.
11. Wikipedia. the free encyclopedia.
12. Wright, Stephan, Aerospace Strategt for The Aerospace Nation, thesis presented to the faculty of the school of Advanced Airpower studies, 1992-93.

1. Stephen E. Wright, Aerospace Strategy for The Aerospace Nation, thesis presented to the faculty the of school of Advanced Airpower Studies, 1992-93
۲. نواده توپچی، حسین، حقوق بین الملل فضا، انتشارات سازمان ع. س. ارتش، ۱۳۸۷، ص ۶.
2. Outer space treaty, 1967, Art. 1, 2 & 3.
۴. جان ام، کالینز، استراتژی بزرگ، ترجمه کورش بایندر، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، ص ۱۴
۵. همان، ص ۲۱.
6. <http://www.answers.com/topic/national-interst>.
7. Tarnow, Eugen (2000). **A quantitative model of amplification of power through order and the concept of group defence**. <http://cogprints.org/4275/>.
8. Merriam_Webster dictionary, 2007.
9. How power shapes excutive choice (<http://www.kellog.northwestern/Edu/news/whatsnew/mbaupdate08.htm>)
10. Human Security website, <http://www.humansecuritynetworki.org/menu-e.php>.
11. http://en.wikipedia.org/wiki/National_security
12. Nussbaum, Martha C. (2000) **Women and Human Development: The Capability Approach** (Cambridge university press, Cambridge).
۱۳. جان ام، کالینز، پیشین، ص ۳۶.
14. http://www.nap.edu/openbook.php?record_id=10980&page=53
15. http://en.wikipedia.org/wiki/Capability_Mangement
16. Douhet, Giulio, **The Command of the Air**, Trans Lated by Dino Ferrari, New Uork, Coward- Mccann, 1942.
17. Stephen E. Wright, **Aerospace Strategy....**, thesis Presented to the Faculty of the Scool of Advanced Airpower Studies, 1992-93, p. 6.
18. Rice, Donald B. **AFS Future Strategy**, Air Force Times, March.
19. Reice, Robertc. **The Work of Nations**, New york: Vintage Books, 1992. p. 60.
۲۰. هدایت ا... فلسفی، حقوق بین الملل معاهدات، فرهنگ نشر نو، تهران ۱۳۸۳، ص ۴.